

امکاه اجتهاد و تقلید

انسان می توان از روی اجتهاد یا تقلید به احکام دین عمل کند. اجتهاد سعی و تلاش فراوان است در جهت استخراج احکام دین از منابع آن که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومین «علیه السلام» می باشد، پس از آموختن علمی که انسان را کمک می کند تا بتواند احکام را از منابع آن استخراج کند. به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد مجتهد گویند و تقلید به معنای پیروی و دنباله روی است و در اینجا به معنای پیروی از مجتهد می باشد یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد. به مجتهدی که دیگران از او تقلید می کنند مرجع تقلید و به کسی که از مجتهد تقلید می کند مقلد می گویند. کسی که مجتهد نیست و نمی تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد باید از مجتهد تقلید کند یعنی کارهای خود را مطابق فتوای او انجام دهد. وظیفه اکثر مردم در احکام دین تقلید است چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام اجتهاد کنند مجتهدی که انسان از او تقلید می کند باید عادل باشد. زنده باشد مرد باشد، بالغ باشد، عاقل باشد، حلال زاده باشد، شیعه ی دوازده امامی باشد، اعلم باشد.

در اصول دین انسان باید یقین و اعتقاد جزمی داشته باشد و این یقین از هر دلیل و طریقی حاصل شود کفایت می کند. چه به واسطه استدلال و برهان باشد یا از گفته والدین و مبلغین. هر چند نتواند استدلال کند. انسان در احکام غیر ضروری دین یا باید مجتهد باشد و بر طبق اجتهاد خودش عمل نماید و یا از مجتهد تقلید کند یعنی به دستور او رفتار نماید و یا در صورتی که آشنا به کیفیت احتیاط است عمل به احتیاط کند به طوری که یقین کند تکلیف خویش را انجام داده است مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند و عده دیگر می گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند انجام دهد و همچنین واجب است در کیفیت احتیاط نیز احتیاط کند. یعنی چنانچه احتیاط از چند طریق ممکن باشد باید طریقی را اختیار نماید که مطابق با احتیاط باشد.

مکلفی که مجتهد نباشد و اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد و تقلید هم نکند اعمال او باطل است یعنی نمی تواند به آن اکتفا کند و باید طبق مسأله که گفته خواهد شد عمل کند.

یکی از راه های شناخت عدالت حسن ظاهر است. یعنی با او رفت و آمد و معاشرت داشته باشد و در شرایط مختلف او را دیده باشد که مسائل شرعی را رعایت می کند و یا همسایگان و اهل محل خوبی او را تصدیق کنند.

در صورتی که دو مجتهد از نظر علمی مساوی باشند احتیاط لازم آن است که از کسی که اتقی و اورع است تقلید کند. مجتهد اعلم را از سه راه می توان شناخت: اول: خود انسان یقین و یا اطمینان پیدا کند، مانند اینکه انسان خود از اهل خبره باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد. دوم: دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند

اعلم بودن کسی را تصدیق نمایند بشرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند. سوّم: اجتهاد و اعلم بودن شخصی به حدّی شایع باشد که از آن شیوع و شهرت برای انسان علم یا اطمینان حاصل شود.

اگر شناختن اعلم مشکل باشد باید از کسی تقلید نماید که گمان به اعلم بودن او دارد بلکه اگر احتمال ضعیفی بدهد که کسی اعلم است و احتمال اعلم بودن دیگری را ندهد باید از همان کس تقلید نماید و همینطور اگر علم داشته باشد که مثلاً دو نفر یا مساوی در علم هستند و یا یکی از آنها به طور معین، احتمالاً اعلم است و احتمال اعلمیت دیگری را ندهد، باید از آن شخص معین تقلید نماید و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید کند.

بدست آوردن فتوی مجتهد سه راه دارد: اوّل: شنیدن از خود مجتهد. دوّم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل می کنند و اکتفا به خبر دادن یک نفر عادل اشکال دارد مگر آنکه از قول او علم یا اطمینان حاصل شود. سوّم: دیدن فتوا در رساله مجتهد در صورتی که انسان بدرستی آن رساله اطمینان داشته باشد یعنی بداند که تمام رساله را خود مجتهد و یا افراد مورد وثوق وی ملاحظه نموده اند.

تقلید فقط در واجبات و محرمات لازم است اما تقلید در مستحبات واجب نیست، مگر اینکه مستحبی باشد که در آن احتمال وجوب باشد.

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است می تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل نماید و اگر احتمال دهد که فتوای وی عوض شده جستجو لازم نیست.

باقی ماندن بر تقلید میت جایز است در صورتیکه مجتهد میت و مجتهد حیّ مساوی در علم باشند و چنانچه یکی از آن دو اعلم باشد تقلید از اعلم لازم است و در باقی ماندن بر تقلید میت فرقی بین مسائلی که عمل نموده و مسائلی که عمل ننموده وجود ندارد.

رجوع کردن از مجتهد زنده به مجتهد زنده دیگر در صورت تساوی آنها جایز است، و اگر دیگری اعلم باشد، رجوع به او واجب است.

وقتی فتوای مرجع تقلید تغییر کرد عمل کردن مقلد به فتوای قبلی جایز نیست ولی اگر فتوای قبلی مطابق احتیاط باشد عمل به آن بنا بر احتیاط مانعی ندارد.

اگر مکلفی مدّتی عبادات خویش را بدون تقلید انجام داده و مقدار آن عبادات را نداند در این صورت اگر بداند آن عبادات را مطابق با فتوای مجتهدی که باید از او تقلید می کرده است، انجام داده، آن عبادات صحیح است و در غیر این صورت واجب است به مقداری که یقین به فوت آن دارد قضاء کند، البته در صورتی که مرجع تقلید فعلی او قضا را واجب بداند و احتیاط مستحب این است که به مقداری قضا کند که علم به برائت ذمه پیدا کند.

واجب است بر مکلف که در مسأله لزوم «تقلید از اعلم» یا «عدم لزوم» آن از یک مجتهد اعلم تقلید نماید. اگر مجتهدی در احکام عبادات اعلم باشد و مجتهد دیگری در احکام معاملات، احتیاط آن است که مکلف تقلید را تقسیم نماید یعنی در عبادات از اولی و در معاملات از دوّمی تقلید نماید. واجب است مکلف در زمانی که در جستجوی اعلم است، به احتیاط عمل کند.

اگر مجتهد اعلم در مسأله ای فتوی دهد مقلد آن مجتهد نمی تواند در آن مسأله به فتوای دیگری عمل بنماید ولی اگر فتوی ندهد و احتیاط واجب نماید مقلد می تواند یا به این احتیاط عمل کند یا به مجتهدی که علم او از مجتهد اول کمتر یا مساوی است رجوع نماید.